

### متن پرسش

سلام استاد: مسئله خلود در جهنم هم مسئله ای است که اگر با عقل انسانی بسنجیم عادلانه به نظر نمی‌رسد. خداوند انسانی آفریده با تمایلات و غرائز سرکش حیوانی و در او کشش و بینش ضعیفی به سمت خوبی‌ها هم قرار داده است. و با این حال، ۹۵٪ انسانها هم در جامعه غیر مسلمان، غیر شیعه، فاسد و ناسالم رشد می‌یابد و تربیت می‌شوند. در این انسان هوا و هوسهای نفسانی و غرائز حیوانی رشد می‌کند و فطرت انسانی او را هم غبار می‌گیرد. لذا به این ندای ضعیف فطرت، بی‌توجهی می‌کند؛ آن را به حساب نمی‌آورد و سرخوش زندگی می‌گردد و عمری در کفر و شرک سپری می‌کند. حالا این انسان واقعا چقدر گناه داشته که باید مخلد در جهنم بماند (و مجازاتهایی فوق تصور ما ببیند) آیا این عادلانه است؟ اگر من انسان باشم که این شخص را مجازات نمی‌کنم. و خداوند نسبت به بندگان بخشنده تر از خود انسانها است. حالا چطور میشه این کار خدا را عادلانه خواند؟ مگر اینکه عدالت مورد نظر خداوند با عدالت مورد نظر ما متفاوت باشه و صرفا اشتراک لفظی داشته باشد. که در این صورت نیز این مشکل پیش میاد که ما وقتی می‌گیم خداوند عادل است، عدالت مورد نظر خودمان را در نظر داریم و خدا را به آن معنایی که خودمان می‌فهمیم، عادل می‌دانیم. اگر بگوییم مجازاتهایی آخرت با مجازاتهایی دنیایی متفاوت است و از سنخ اثر تکوینی اعمال است، دوباره می‌توان اشکال کرد که: مترتب کردن این آثار بر این اعمال، کار خداوند است یا غیر او؟ ترتب این آثار بر این اعمال نیز عادلانه نیست. چون فرض ما این است که قرار دادن این آثار بر این اعمال نیز کار خداوند است و خداوند هم قدرت تغییر آن را دارد. حالا چطور میشه خلود در جهنم را عادلانه دانست؟ روایتی در این زمینه است که می‌گوید: کافر بدان جهت مخلد در جهنم می‌ماند که اگر تا ابد در دنیا می‌ماند، تا ابد کفر می‌ورزید. اما مشکل این روایت این است که می‌توان گفت: هیچ انسانی نیست که اصلا قابل تغییر نباشد. اگر شما فاسد‌ترین آدم را هم از جامعه فاسد بردارید و سالها او را تحت تربیت و آموزش سالم قرار دهید و روی فکر و اندیشه او کار کنید و او را در جامعه صد در صد سالم و مدینه فاضله قرار دهید، و تمام خواسته‌ها و نیازهای مشروع او را تامین کنید، قطعا تغییر خواهد کرد. پس قابل تغییر است. ثانیا: این شخص صد سال گناه کرده است، چرا باید گناه و مجازات اعمال ناکرده اش را بکشد. (چون اگر بر فرض جاودانه می‌ماند، جاودانه کفر می‌ورزید) این عادلانه است؟ شاید مفاهیمی که ما در مورد خداوند به کار می‌بریم، از قبیل عدالت، رحمت، مغفرت و... با معانی عرفی و فقهی که انسانها از این مفاهیم دارند، متفاوت باشد.

باسمه تعالی: سلام علیکم: کسانی در آتش مخلداند که هویت خود را به‌کلی از معنویت خالی کرده باشند. به همین جهت در روایت داریم: «لا تأکل النار محلّ الايمان» یعنی کسی که ایمان به خدا داشته باشد، در هر حال آتش او را تماماً از بین نمی‌برد ۲- با توجه به آیه‌ای که می‌فرماید: **يَوْمَ تَجْدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ شَوْءٍ** (آل عمران/۳۰) در واقع عذابی از خارج بر کسی وارد نمی‌شود، بلکه هرکس آن‌چه را انجام داده است در پیش خود می‌یابد، حال اگر با هویت و فطرت او هماهنگی نداشت انسان در درون خود آتش می‌گیرد و با توجه به شرایط عالم قیامت، آن آتش از درون انسان به بیرون آمده و او را در برمی‌گیرد «فی عمدٍ مّمّده». این فرض را نمی‌توانم بپذیرم که اگر شرایط انسان از نظر تربیتی و رفاهی خوب باشد، آن انسان خوب خواهد بود؛ موارد نقض زیادی در این مورد داریم. حتی فرزند پیامبر مثل فرزند نوح «علیه السلام» می‌تواند خودش بدی را انتخاب کند. موفق باشید